

پیش‌خوانی

در حاشیه انتشار خاطرات دکتر عنایت‌الله رضا

ناگفته‌ها و نقدهایی در باره «جریان چپ»

■ **علی احمدی فراهانی**



استاد دکتر عنایت‌الله رضا(۱۳۸۹-۱۲۹۹)، اندیشمند، پژوهشگر، مؤلف، مترجم، عضو شورای‌عالی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و نیز از فعالان سیاسی سابق سرانجام در تیرماه ۱۳۸۹ پس از مدت‌ها نبرد با بیماری مرگ‌زا و چند هفته میان‌اعما و هوشیاری در گذشت و پیکرش با حضور شماری از دوستان‌ارنش در تهران به خاک سپرده شد. پس از مرگش مطالب بسیاری در باره او، زندگی و آثارش از طریق رسانه‌های مختلف انتشار یافت. در اینجا قصد نداریم حتی با گزارش کوتاه در باره زندگی وی تکرار مکررات کنیم. استاد رضا در باره زندگی خودش مطلبی نوشته و به‌ویژه در باب دوره‌ای از زندگی‌اش که یکسر صرف فعالیت بر ضد حکومت پهلوی و تحقق یافتن آرمان‌هایش شده، نکات روشنگرانه‌ای را به قلم در آورده است. همچنین دفتری از تأملات فلسفی و اندیشه‌ورزی‌هایش را در خصوص شماری از مسائل از خود بر جای نهاده است. امیدواریم آن زندگینامه خودنوشت، همراه با دفتر اندیشه‌های وی انتشار یابد تا خوانندگان علاقه‌مند از راه اطلاعات دست اول و حرف‌های ناگفته به قلم خود او یا وا اشتاتر شوند.

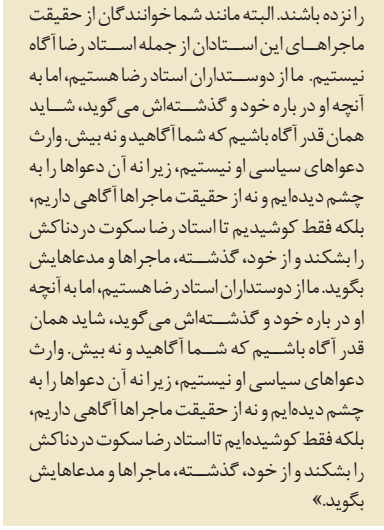
کتابی که در باره آن سخن می‌رود، متن پیاده و بازنگاری شده ۲۳ گفت‌وگو با استاد رضا است. فراهم آوردنگان این اثر، از همکاران او در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی هستند. استاد رضا از سال ۱۳۶۵ جمع مؤلفان دائرةالمعارف پیوست و امکان یافتیم چند سالی از مصاحبتش بر خوددار باشیم. استاد رضا از سال‌ها پیش از آنکه به جرگه اصحاب دائرةالمعارف پیبوند، همه تـوان و وقتش را صرف پژوهش و نگارش می کرد. او با وجدان و دقت علمی و نیز عشق و شوری فراوان به تاریخ و فرهنگ ایران زمین، به‌ویژه



دکترعنایت‌الله‌رضا

بخش‌های شمال و شمال‌غربی ایران فرهنگی که آماج چندین و چند گونه مظاهر سوء بوده است و در عین حال با حساسیتی عاطفی کند و کاوی می کرد و قلم می زد. او مردی پرخطراه، با اطلاع و روزگار دیده بود. هر گاه به مناسبتی موضوعی به میان می آمد که در باره آن اطلاع یا خاطره‌ای داشت، حرف‌هایش شنیدنی می شد، به‌ویژه در زمینه‌های فکری و سیاسی که عمرش را بیشتر در آنها صرف کرده بود.

فراهم آوردنگان اثر آقایان عبدالحمین آژرنک، علی پهرامیان، صادق سجادی علی همدانی در مقدمه خود بر این کتاب آورده‌اند: «استاد رضا ذاتا بسیار مؤدب، محجوب، حتی قدری خجول و مایل به گوشه‌گیری بود. کسی را می‌یافت یا باز می‌شناخت که سراغش را می‌گرفت و او را به سخن وامی‌داشت. او از جنجال، غوغا و حضور در نشست‌های بسیاری خودداری ورزید. در دوره‌ای که آماج شدیدی از سوی شماری از هم‌مسلمانان قدیمی قرار گرفت، سکوت را بر پاسخگویی ترجیح داد و حتی نگاه‌نگاره فرمیدانی شد که پیاپی از چند سو در آن میدان به او می‌ناختند. می‌شد در ورنج را آشکارا در او حس کرد، به‌ویژه پس از مرگ همسر همدم و همراش که با به پای او همه افت و خیزها را تاب آورده بود. ما که همکار او بودیم و طی سال‌ها تراتشیده شدن و شکستن تدریجی‌اش را به چشم می‌دیدیم و احساس می کردیم در عین حال فرو خفتن شمع وجود چندین و چند استاد دیگر، بزرگان کم‌ظفر، جانشین‌ناپذیر و ثروتهای فرهنگی‌را از نزدیک دیده بودیم، نمی‌توانستیم نگران استانی نباشیم که از دست بروند، اما حرف‌هایشان را نزه باشند. البته مانند شما خوانندگان از حقیقت ماجراهای این استادان از جمله استاد رضا آگاه نیستیم. ما از دوستان‌اران استاد رضا هستیم، اما به آنچه او در باره خود و گذشته‌اش می گوید، شاید همان قدر آگاه باشیم که شما آگاهید و نه بیش. وارث دعواهای سیاسی او نیستیم، زیرا نه آن دعوها را به چشم دیده‌ایم و نه از حقیقت ماجراها آگاهی داریم، بلکه فقط کوشیدیم تا استاد رضا سکوت درناکش را بشکنند و از خود، گذشته، ماجراها و مدعاهایش بگوید. ما از دوستان‌اران استاد رضا هستیم، اما به آنچه او در باره خود و گذشته‌اش می گوید، شاید همان قدر آگاه باشیم که شما آگاهید و نه بیش. وارث چشم دیده‌ایم و نه از حقیقت ماجراها آگاهی داریم، بلکه فقط کوشیده‌ایم تا استاد رضا سکوت درناکش را بشکنند و از خود، گذشته، ماجراها و مدعاهایش بگوید»



■ **احمدرضا صدیقی**

بی‌تردید مسجد «همت» تجریش در تهران، از کانون‌های شناخته شده مبارزه علیه شاه به‌شمار می‌رود. این کانون به همت روحانی مجاهد و دانشور مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ مصطفی ملکی، به‌مثابه یکی از مراکز تبیین اندیشه انقلاب درآمده بود و در هماهنگی فعالیت‌های مبارزاتی در شمال تهران نقشی شاخص داشت. درسال ۱۳۵۷ در پی بالاگرفتن امواج انقلاب، فعالیت‌های ایـن مسجد نیز گسترده‌تر شد که شمه‌ای از آن در ادامه آمده است:

■ ■ ■

■ **راهپیمایی ۱۶شهریور ماه**

پیش از سر آمدن ماه مبارک رمضان، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ مصطفی ملکی وشهدید آیت‌الله دکتر محمد مفتاح (امام جماعت مسجد قبا) قرار گذاشتند نماز عید فطر را در تهیه قطره به اقامه کنند.^(۱) بدین ترتیب آقای ملکی برنامه‌ای تنظیم کرد که به موجب آن بنا شد چند تن از پیش‌نمازان مساجد شمیران نماز خود را تعطیل کنند و به صف نمازگزاران تهیه‌های قطره به‌پیوندند.^(۲) عید فطر آن سال مصادف بود با دوشنبه، سیزدهم شهریور ماه ۱۳۵۷. صبح زود تعداد زیادی از اهالی تجریش از مسجد همت به راه افتادند و با فرستادن صلوات و سر دادن شعارهای مربوط به صبح روز عید فطر به سوی تهیه‌های قطره به حرکت کردند.

نماز عید فطر با حضور انبوهی از مردم شمیران و سایر نواحی تهران با امامت دکتر محمد مفتاح برگزار شد^(۳) و پس از آن نخستین راهپیمایی منظم و سازمان‌یافته در سال ۱۳۵۷ با حضور ۱۰۰ هزار نفر^(۴) که مقصد آن میدان راه‌آهن^(۵) بود به انجام رسید. در همین راهپیمایی بود که هادی غفاری شعارهای تندی سر داد و مردم نیز بدون هیچ واهمه‌ای آنها را تکرار کردند.^(۶)

پس از راهپیمایی عید فطر که در روند پیروزی انقلاب اسلامی بسیار موفق و تأثیرگذار بود، بنا به مهدی روحانیت مبارز مقرر شد راهپیمایی دیگری در روز پنج‌شنبه شانزدهم شهریور برگزار شود. بدین منظور فعالان مسجد همت پلاکاردهایی تهیه کردند و خوشنویسانی مانند دکتر عباس ملکی و مهدی بزرگ‌زاده شعارهای روی پارچه نوشتند و اعلامیه‌ای هم برای دعوت مردم به راهپیمایی چاپ و منتشر کردند. این اعلامیه‌ها به تعداد زیاد در نظرآباد واقع در جاده قزوین چاپ شد و هزینه آن را نیز حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق‌نوری پرداخت

در سطح گسترده‌ای پخش شد^(۷) و امید می‌رفت جمعیت زیادی به راهپیمایی آرام این روز پیبوندند.

درد

با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲بهمن ۱۳۵۷ مسجد همت نیز همچون اغلب مساجد سراسر کشور یکسره به خدمت انقلاب در آمد و به محل کمیته انقلاب اسلامی تجریش تبدیل شد، اما خیلی زود کمیته به بخش جنوبی کاخ سعدآباد منتقل شد و مسجد همت نقش پیشین خود را بازیافت

تاریخ

گفت‌وگو۸۸۴۳۸۸۴۹



گذری بر کارکردهای سیاسی و مبارزاتی مسجد «همت» تجریش در سال ۱۳۵۷

تلاش در قلمرو «مبارزه» و «امداد»

با وجود آماده شدن این مقدمات جامعه روحانیت مبارز برای پیشگیری از خونین شدن تظاهرات و مصون نگه داشتن مردم از حمله نظامیان راهپیمایی روز شانزدهم را لغو کرد و بر آن شد تا مردم را از این تصمیم آگاه کند.دکتر عباس ملکی چگونگی تعطیل شدن راهپیمایی را اینگونه شرح داده است: «پیش از فرا رسیدن روز شانزدهم شهریور دکتر بهشتی به خانه ما آمد و گفت: یکی از دوستان از تشی خیر داده شورای امنیت ملی به فرماندهی ارتش دستور داده است نیروهای ارتشی را وارد خیابان‌ها و تظاهرات کنندگان مقابله کنند. بنابراین راهپیمایی روز شانزدهم لغو شده است و کسی برای راهپیمایی در آن روز به خیابان نیاید.»

عباس ملکی که در تهیه و توزیع اعلامیه راهپیمایی روز پنج‌شنبه شانزدهم شهریور دست داشت، در حضور دکتر بهشتی و پدرش سخنی از اعلامیه به میان نیاورد، اما به دلیل اهمیت موضوع شب‌هنگام با علی رسولی، فعال مسجد همت به خانه د‌کتر بهشتی رفت و ماجرای چاپ اعلامیه‌ها را با وی در میان گذاشت. دکتر بهشتی نیز نظر خود را روشن بدون ابهام اینچنین بیان کرد: «چون جان انسان‌ها در خطر است، شما موظفید به تعداد اعلامیه‌های پخش‌شده اعلامیه‌هایی را چاپ و پراکنده کنید و در آن لغو شدن راهپیمایی روز شانزدهم شهریور را به آگاهی همگان برسانید.» سپس متن اعلامیه را نوشت و به عباس ملکی داد، اما ملکی و رسولی که هر دو از جوانان پرشور و انقلابی بودند، بالطبع می‌خواستند راهپیمایی برگزار شود. به همین دلیل پس از بیرون آمدن از خانه د‌کتر بهشتی با یکدیگر توافق کردند. فقط برای اینکه دروغ نگفته باشند چند تایی از آن اعلامیه‌ها را تکثیر و توزیع کردند^(۸) و کار را به خدا سپردند. هر چند اعلامیه‌ها در لغو راهپیمایی روز شانزدهم شهریور صادر شد، اما در اعلامیه دعوت به راهپیمایی هشت نقطه در تهران مشخص شده بود تا اهالی محلات مختلف شهر از نزدیک‌ترین مکان تعیین‌شده به محل خود حرکت کنند و در میدان انقلاب به هم برسند و همگی به سوی میدان آزادی مردم در نقاط مشخص شده اجتماع کنند و ندانسته به سوی میدان انقلاب به حرکت در آیند و حین حرکت با نظامیان برخورد کنند. به همین خاطر و برای محکم‌کاری و جلوگیری از این حرکت احتمالی جلسه‌ای در روز پانزدهم شهریور با حضور دکتر بهشتی و چند تن از اعضای جامعه روحانیت مبارز در خانه حجت‌الاسلام ملکی برگزار و در آن مقرر شد هشت نفر از اعضای جامعه انتخاب شوند و هر کدام صبح روز پنج‌شنبه شانزدهم شهریور به یکی از مکان‌های تعیین‌شده برود و ضمن آگاه کردن مردم از لغو راهپیمایی آنان را از هر حرکت خودسرانه‌ای

نمای از سردر مسجد همت تجریش. حنبظ امام‌زاده صالح تهران

مسجد همت در دو سال پایانی عمر نظام شاهنشاهی در همه صحنه‌های انقلاب حضور فعالی داشت و در نقش ستاد امور انقلاب و در نقش ستاد امرای انقلاب

شمه‌ای از ماجرای آن روز را اینگونه بیان کرده است: «پایین‌تر از چهارراه قصر بالای وانت رفتم و از پشت بلندگوی بی‌هیچ مقدمه‌ای به یکباره فریاد زدم: «این شاه امریکایی اعدام باید گردد» انبوه جمعیت با شوری حماسی این شعار را گرفت

و با صدای بلند تکرار کرد. شعارهای دیگری مانند: «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» نیز سر داده شد و به همین ترتیب به پیچ شمیران رسیدیم و از آنجا در خیابان انقلاب به طرف میدان آزادی رفتیم.^(۱۷)

■ **زلزله طیس**

با وقوع زلزله طیس در ۲۵ شهریور ۱۳۵۷ هنگامی که کشور در بحران و آشفتگی ناشی از انقلاب به سر می‌برد و نهادهای مسئول مانند جمعیت ششیر و خورشید سرخ ایران (هلال احمر) از کار اصلی خود بازمانده بودند، ضرورت کمک‌رسانی به هموطنان آسیب‌دیده و جمع آوری و دفن اجساد و مداوای مجروحان بیش از پیش نمایان شده بود. خوشبختانه از سراسر کشور کاروان‌های امداد به سوی طیس به حرکت در آمدند و توانستند خدمات خود را به زلزله‌زدگان عرضه کنند و آثار تخریب آن واقعه هولناک را تا حد امکان از بین ببرند.

پس از وقوع زلزله کاروانی حامل وسایل ضروری و مواد خوراکی به همراه چند نفر پزشک از طرف مسجد همت به طیس رفت.^(۱۷) عباس بزرگ‌زاده که از مدیران اجرایی این کاروان امداد بود، از فعالان سیاسی و مبارزاتی مسجد همت تجریش به‌شمار می‌رفت.^(۱۸)

■ **راهپیمایی‌های ملیونی**

پس از هفدهم شهریور و اوجگیری تظاهرات خیابانی و راهپیمایی‌های میلیونی تاسوعا و عاشورای حسینی مسجد همت به مرکز برنامه‌ریزی و تدارک راهپیمایی‌های اهالی

تاریخ

درد

اقامت سربازان و نظامیان فراری بود. چنانکه عبدالله نجفی، فرماندار نظامی شهرری که به فرمان امام خدمت در ارتش را ترک کرد و پس از پیروزی انقلاب به مقام امیری رسید و فرماندهی کمیته مققودین جنگ را به عهده گرفت، مدتی در یکی از این درمانگاه‌ها مخفی بود و به چند تن از فعالان مسجد همت آموزش اسلحه می داد.^(۱۹)

■ **تعاونی محلی**

با گسترش اعتصابات و مختل شدن کار مراکز تولیدی و آشفتنگی بخش خدمات عمومی در سراسر کشور تهیه و توزیع بخشی از خواروبار و کالاهایی مانند سرغ و تخم‌مرغ تا حدودی به گردن کمیته‌های محلی افتاد. این کمیته‌ها را که اغلب وابسته به مساجد بودند، جوانان و معتمدان محلی اداره می‌کردند و شماری از مواد خوراکی را با قیمتی نازل از اختیار مردم قرار می‌دادند. در این زمینه هم مسجد همت فصال بود و با تأسیس فروشگاهی در سر بل تجریش موفق شد بسیاری از ازاق عمومی را با بهایی اندک و حتی در مواردی زیر قیمت بازار به خریداران عرضه کند. عباس بزرگ‌زاده از مرد خیری به نام حاج محمد مهدی‌زاده نام می‌برد که نقش زیادی در پرداخت هزینه‌های جاری فروشگاه داشت.^(۱۸)

■ **در آغوش پیروزی**

مسجد همت در دو سال پایانی عمر نظام شاهنشاهی در همه صحنه‌های انقلاب حضور فعالی داشت و در نقش ستاد امور انقلاب فعالیت‌های تشکیلاتی اهالی شمیران را سر و سامان می‌داد و هدایت می‌کرد. روزهای مبارزه با دایو مهیب سلطنت به سرعت می‌گذشت و نشانه‌های آشکار فروپاشی نظام پهلوی نمایان‌تر می‌شد. از نخستین روزهای بهمن ۱۳۵۷ جنب و جوش تازه‌ای در مسجد همت به چشم می‌خورد و معلوم بود چند نفر از مسئولان مسجد در پی تهیه و تدارک نیروی انسانی هستند. این افراد برای استقبال از امام خمینی و تمشیت کارها و انتظام‌بخشی از محوطه بهشت‌زها آامده می‌شدند تا در روز ورود امام(ره) به کشور در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ کارها طبق برنامه به انجام برسد. با ورود امام خمینی به ایران و استقرار در مدرسه علوی داود روزبهانی عضو فعال مسجد همت به خدمت در مدرسه علوی پرداخت^(۱۹) و با این کار مسجد همت را در خدمت رهبری انقلاب قرار داد.

در بعد از ظهر ۲۱ بهمن که امام خمینی فرمان لغو حکومت نظامی را صادر کرد، حجت‌الاسلام



اسفند۱۳۵۷. حجب‌الاسلام شیخ مصطفی ملکی در کنار آیت‌الله‌تالقانی

درد

در دوران انقلاب و شدت گرفتن تظاهرات خیابانی دو کلاس آموزش در مسجد همت گشایش یافت که در هر دو کلاس دکتر علی قادری تدریس می‌کرد. یکی از این کلاس‌ها عقیدتی و دیگری آموزش کمک‌های اولیه بود. سبب اصلی تشکیل امدادهای پزشکی هم این بود که اگر در تظاهرات خیابانی کسی می‌شد و مأموران حکومت نظامی که فهمیده بودند در خانه ما خبرهایی هست به داخل کوچه ریختند، اما جرئت نمی‌کردند وارد خانه شوند و فقط فرمانده آنها از پشت در فحش می‌داد و ناسزا می‌گفت.»^(۱۵)

■ **امداد پزشکی**

در دوران انقلاب و شدت گرفتن تظاهرات خیابانی دو کلاس آموزشی در مسجد همت گشایش یافت که در هر دو کلاس دکتر علی قادری تدریس می‌کرد. یکی از این کلاس‌ها عقیدتی و دیگری آموزش کمک‌های اولیه بود. سبب اصلی تشکیل امدادهای پزشکی هم این بود که اگر در تظاهرات خیابانی کار به درگیری زد و خورد کشید، افراد آموزش‌دیده بتوانند به مجروحان کمک کنند. همچنین با حمایت آگاهی ملکی دو یا سه خانه به‌صورت درمانگاه کوچکی در آمدند و همواره چند پزشک از جمله دکتر علی‌اکبر ولایتی و دکتر علی قادری در آنها خدمت می‌کردند.^(۱۶) این درمانگاه‌ها برای این منظم شد و بلندگوی دستی و اتومبیل وانتی برای پخش شعار فراهم و راهپیمایی روز شانزدهم شهریور به‌طور رسمی و در عمل آغاز شد. داود روزبهانی

در عین حال این درمانگاه‌ها محل امنی برای

■ **بی‌نوشت‌ها در دفتر سرویس تاریخ موجود است.**

نمای داخلی از مسجد همت تجریش.